

سنجش رابطه مشارکت در فعالیتهای گردشگری با بهزیستی ذهنی زنان روستایی (مطالعه موردی: منطقه اورامان)

سعدی محمدی^{۱*}، مرضیه طلعتی^۲، ارکان محمدی^۳

چکیده

امروزه برای تحقق محیطی بانشاط در روستاها و دستیابی به بهزیستی ذهنی زنان روستایی، که به دلایل اجتماعی و اقتصادی در انزوا قرار گرفته‌اند، با توجه به وجود فقر و بیکاری گسترده در روستاها و ضرورت رفع آن‌ها به منظور تحقق محیطی بانشاط، بر بهره‌گیری از پتانسیل‌های روستاها جهت رونق اقتصادی و حضور زنان در آن‌ها تأکید می‌شود. در این میان، از گردشگری روستایی، به دلیل ماهیت مشاغل و درآمد مناسبی که برای زنان دارد، استقبال شده و برنامه‌ریزی‌هایی برای آن اتخاذ شده است. یکی از مناطق روستایی کشور، منطقه اورامان در شهرستان سروآباد است که حضور زنان در عرصه گردشگری پررنگ است. بنابراین، در پژوهش کاربردی حاضر، که با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است، تأثیر حضور زنان روستایی در فعالیتهای گردشگری بر بهزیستی ذهنی‌شان بررسی شد. به دنبال توزیع پرسش‌نامه در میان ۹۰ نفر از زنان روستایی، روستاهای هدف گردشگری که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله با استفاده از آزمون‌های استنباطی (T تک‌نمونه‌ای، خی دو، رتبه‌ای فریدمن و کای دو توافقی) این نتیجه حاصل آمد که حضور زنان در فعالیتهای گردشگری در سطح معناداری ۰/۰۰۱ و با میانگین محاسبه‌شده برابر ۳/۴۷، موجب افزایش و بهبود بهزیستی ذهنی زنان روستایی شده است. در میان شاخص‌های بررسی‌شده نیز، شاخص‌های شناختی بهزیستی ذهنی با میانگین برابر ۳/۵۵ و در میان متغیرهای بررسی‌شده، به ترتیب رضایت از محیط روستا و وابستگی به آن و کاهش احساس فقر و رضایت از زندگی، دارای بیشترین بهبود وضعیت و اثرپذیری از حضور زنان در فعالیتهای گردشگری بوده‌اند. همچنین، یافته‌ها نشان دادند که بین میزان رضایت از توسعه و وابستگی درآمدی به فعالیتهای گردشگری و میزان بهزیستی ذهنی زنان روستایی مورد بررسی، ارتباط معنادار، مثبت و مستقیمی وجود دارد.

کلیدواژگان

بهزیستی ذهنی، زنان روستایی، گردشگری، منطقه اورامان.

saadi@pnu.ac.ir

۱. استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور

۲. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، آموزش و پرورش استان کردستان

geographyrostami@chmail.ir

۳. کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور

arakanmohammdi1224@yahoo.com تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۵/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲

مقدمه

موضوع کیفیت زندگی از آغاز دهه ۱۹۹۰ به بعد، در ادبیات نظری و توسعه، اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است و مبنای تمایز و دسته‌بندی‌های نوین کشورها در سال‌های اخیر و مبنای ارزیابی اثرگذاری سیاست‌های اجرایی رفاه عمومی شده است [۱۲]. در کنار تعریف‌های عینی کیفیت زندگی، که با معیارهای کمی قابل اندازه‌گیری‌اند (وابسته‌بودن به مقدار درآمد، دارایی و میزان مصرف و...)، در رویکردهای جدید کیفیت زندگی به احساس شادی یا ناخشنودی، رضایت یا نارضایتی فرد از زندگی وابسته است [۳۸؛ ۴۷] که از آن به‌عنوان بهزیستی یا رفاه ذهنی یاد می‌کنند [۲۲؛ ۲۶؛ ۴۴]. سابقه توجه به جنبه‌های عینی بهزیستی به چندین دهه باز می‌گردد. این در حالی است که توجه به جنبه‌های ذهنی، محصول تغییر ادبیات توسعه در چند دهه اخیر است و بیشتر از سوی روان‌شناسان مثبت‌گرا مطرح شد که هدف آن‌ها افزایش عملکردهای انسانی با استفاده و تأکید بر ویژگی‌ها و احساسات مثبت ذهنی است [۳۹]. بهزیستی ذهنی در ارتباط با وضعیت رضایت از زندگی افراد است که تابعی از نتیجه مقایسه وضعیت فعلی با گذشته و آرمان‌های آینده است. بنابراین، بهزیستی ذهنی امری شخصی است. بهزیستی ذهنی هنگامی حاصل می‌شود که افراد احساسات خوشایند داشته باشند و با کمترین میزان از وقایع و احساسات منفی روبه‌رو شوند و از زندگی لذت ببرند [۱۹؛ ۲۰؛ ۲۶؛ ۴۴؛ ۵۳]. در این بین، با توجه به ارتباط فقر و محرومیت با کاهش سطح بهزیستی ذهنی افراد و اینکه نمود این فقر و محرومیت در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه و با حاکمیت تبعیض جنسیتی در میان زنان روستایی به‌وضوح مشاهده می‌شود، بسیاری از تلاش‌های دولت‌ها به دنبال تغییر رویکردهای توسعه از دهه ۱۹۸۰ به سمت ایجاد محیطی زیست‌پذیر در روستاها بوده که پایه اصلی آن تقویت و گسترش نشاط و بهزیستی ذهنی با رفع فقر و محرومیت در میان روستاییان، به‌ویژه زنان روستایی، به‌منزله نیمی از جامعه روستایی و فعالان پنهان اقتصاد روستایی است [۱۱؛ ۳۳؛ ۵۱]. زنان سازندگان و پرورش‌دهندگان نسل‌های آینده محسوب می‌شوند. آن‌ها منبع انسانی بالقوه مهمی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورند؛ از این رو، توجه ویژه به بهزیستی ذهنی آن‌ها ضرورت دارد. توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه ۱۹۸۰، ناشی از دو واقعیت تحقق‌نیافتن نظریه‌های توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود؛ در نتیجه، رویکردهای ایجاد برابری جنسیتی، توانمندسازی و افزایش کارایی زنان و در مجموع بهزیستی زنان مورد توجه قرار گرفت. در واقع، در دنیای امروز، اثرگذاری مثبت و نقش‌آفرینی زنان بر فرایند توسعه موجب شده سیاست‌مداران و دولت‌مردان مجاب شوند که زنان را از فرایند نامرئی‌بودن در اقتصاد درآوردند [۱۶] تا بدین ترتیب، کیفیت مطلوب زندگی زنان نیز حاصل آید، زیرا وضعیت شاخص‌های اقتصادی، یعنی شغل و درآمد، از عوامل مهم

خارجی اثرگذار بر وضعیت کیفیت زندگی و به‌ویژه بُعد مهم آن، یعنی بهزیستی ذهنی، است [۳۰؛ ۳۸]. زنان روستایی به‌منزله قشری مطرح بوده‌اند که همواره در محیط‌های در انزوای روستایی به دلایل اقتصادی و اجتماعی و باورهای غلط از لحاظ شاخص‌های کیفیت زندگی، به‌ویژه کیفیت ذهنی زندگی، در سطح رضایت‌بخشی قرار نداشته‌اند [۱۷؛ ۱۶؛ ۶]. اما به دنبال تغییر رویکردهای توسعه و تغییر و تحولات اجتماعی که در جهان شکل گرفت، و تأثیر آن نیز در اقتصاد و اجتماع کشور ما نمایان شد، زنان به‌منزله قشر مؤثر مطرح شده‌اند که با حضور بیشتر و مؤثرتر در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی در پی بهبود سطح کیفیت زندگی خود هستند. در این میان، در مناطق روستایی نیز، که همواره زنان علاوه بر وظایف خانه‌داری به انجام دادن امور اقتصادی (دامپروری، کشاورزی) خانوار نیز می‌پرداختند، هم‌اکنون حضور بیشتری به صورت رسمی در عرصه‌های اقتصادی روستایی دارند؛ به‌ویژه در روستاهایی که اقتصاد آن‌ها امکان حضور زنان را فراهم آورده است. این امر زمینه‌های بهبود سطح جنبه‌های عینی و به‌ویژه ذهنی کیفیت زندگی آن‌ها را فراهم آورده است. یکی از فعالیت‌هایی که در نواحی روستایی کشور به دلیل پتانسیل‌های فرهنگی، طبیعی و اجتماعی در چندساله اخیر رشد درخور توجهی داشته است و به دلیل عدم نیاز به تخصص و سرمایه زیاد، زمینه‌های حضور زنان را فراهم آورده است، گردشگری روستایی است. گردشگری به‌منزله سریع‌ترین صنعت در حال رشد جهان با جذب مشارکت زنان و حمایت از توانمندی‌هایشان زمینه‌ساز تحرک زنان روستایی و کارآفرینی آن‌ها شده است [۴۱]. در منطقه اورامان شهرستان سروآباد نیز، مانند بسیاری از مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه به دلیل دید و تفکری که زنان را سربار و مصرف‌کننده می‌داند، انزوای اقتصادی و اجتماعی و در نتیجه سطح نازل شاخص‌های بهزیستی ذهنی زنان روستایی حاصل آمده است. در این میان، در چندساله اخیر، به دلیل گسترش گردشگری روستایی در این منطقه زمینه‌های حضور زنان در عرصه‌های اقتصاد روستاها به صورت رسمی با انجام دادن فعالیت‌هایی همچون: تهیه غذاهای محلی، صنایع دستی و فروش مستقیم محصولات کشاورزی به گردشگران فراهم آمده است. حال مسئله اصلی که در پژوهش حاضر بدان پرداخته می‌شود این مطلب است که حضور زنان در این فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با گردشگری، جدای از تغییرات شاخص‌های عینی زندگی آن‌ها، چه تأثیراتی بر وضعیت بهزیستی ذهنی زنان این منطقه روستایی داشته است، تا بدین ترتیب بتوان به ارتباط بهبود وضعیت اقتصادی با بهزیستی ذهنی زنان در نواحی روستایی پی برد و راهکارهای کاربردی به منظور ارتقای هرچه بیشتر بهزیستی زنان روستایی منطقه ارائه داد. در این زمینه، سؤال اصلی پژوهش، مبتنی بر این مطلب است که فعالیت زنان در حوزه گردشگری منطقه چه تأثیراتی بر تغییر سطح بهزیستی آن‌ها داشته است؟ و سؤال فرعی پژوهش نیز مبتنی بر این مطلب است که در صورت وجود تأثیرات مثبت گردشگری بر بهزیستی ذهنی زنان روستایی، بین میزان

بهبود بهزیستی ذهنی آن‌ها با میزان رضایت از توسعه و وابستگی درآمدی آن‌ها به فعالیت‌های گردشگری چه ارتباطی وجود دارد؟

مبانی نظری

مفهوم بهزیستی ذهنی در بسیاری از موارد معادل نشاط و شادکامی به کار می‌رود که به دلیل متغیرها و مفاهیم وسیع‌تری که در آن قرار دارد بر شادی ارجح‌تر بوده و به قضاوت فرد از زندگی خود و درجه مطلوبیت و رضایت از آن بستگی دارد [۴]. بهزیستی ذهنی، مبتنی بر تحلیل وضعیتی است. در این ارتباط که مردم چگونه زندگی خود را هم در زمان حال و هم در طولانی‌مدت ارزیابی می‌کنند [۲۵]. بر مبنای تعاریف مختلف، بهزیستی ذهنی از دو رویکرد قابل تعریف و اندازه‌گیری است؛ رویکرد عاطفی و رویکرد شناختی [۲۷؛ ۴۲]. در دیدگاه عاطفی، تعریفی که از بهزیستی ذهنی وجود دارد بر احساس کردن و تجربه کردن لذت بیشتر از دردها و رنج‌ها تأکید می‌شود. در این دیدگاه، بهزیستی ذهنی دربرگیرنده احساس‌های مثبت است که لذت را برای فرد می‌آفریند. همچنین، از بهزیستی ذهنی به منزله عامل سرزندگی روح، احساس داشتن انرژی، داشتن روحیه خوش‌بینی یا دلخوش بودن به چشم‌انداز آینده زندگی یاد می‌شود و نشان‌دهنده وضعیت ارزیابی خود فرد از فعالیت‌هایی است که انجام دهد. این تعریف درحقیقت شادی مستقیم و بی‌واسطه، شامل احساسات و عواطف مثبت شبیه لذت و خوشی در یک لحظه خاص است. بنابراین، از منظر عاطفی، شادی یعنی احساس لذت، خوشی و خشنودی که احساسی درونی است و زاینده ذهن، فکر، خیال و روح یک فرد است، نه قضاوت‌های تحمیلی از بیرون [۹؛ ۲۳؛ ۴۲]. در دیدگاه شناختی بهزیستی ذهنی به معنای داشتن نگرشی مثبت و احساس رضایت از زندگی به صورت کلی است. در این دیدگاه، فرد به قضاوت زندگی خود با استانداردهایی که در ذهن دارد می‌پردازد و در نهایت به صورت کلی نتیجه می‌گیرد که زندگی‌اش به خوبی می‌گذرد یا خیر. قضاوتی تقریباً متعادل و مبنی بر استانداردها و انتظارات زندگی که نتیجه آن، تصدیق اوضاع و شرایط زندگی بر اساس قیاس با وضعیت گذشته، وضعیت ایده‌آل و قیاس با وضعیت دیگران است [۹؛ ۲۳؛ ۵۲]. در مجموع، می‌توان گفت بهزیستی ذهنی دربرگیرنده داشتن احساسات دلپذیر و تجربه بیشتر لذت‌ها به احساسات ناخوشایند و نیز رضایت از کل زندگی یا حوزه‌های مختلف آن (ازدواج، مسکن، محیط، شغل، درآمد و...) است [۲۱]. در ارتباط با بهزیستی ذهنی، نظریه‌های مختلفی وجود دارد که هر یک از دریچه‌ای خاص به موضوع بهزیستی ذهنی توجه کرده‌اند؛ مانند: نظریه لذت‌گرایی^۱، نظریه خواسته‌ها^۲، نظریه دستیابی به ارزش‌ها^۳، نظریه خوشبختی واقعی^۱ و

1. hedonism theory
2. desire theory
3. objective list theory

نظریه محرومیت نسبی^۲. در نظریه لذت‌گرایی، بهزیستی ذهنی فقط یک احساس عاطفی در ارتباط با زندگی شاد است و لذت انسان‌ها را به حداکثر و احساس‌های ناخوشایند را به حداقل می‌رساند. این نظریه براساس نظریه سودمندی بنتام ارائه شده است. در واقع، بهزیستی در گرو لذت از احساس‌های خوشایند و شادکامی ناشی از آن است. در نظریه خواسته‌ها، بهزیستی ذهنی در گرو دستیابی به اهداف و خواسته‌هایی است که فرد در نظر دارد و تحقق آن‌ها موجب ایجاد لذت و رهایی از غم‌ها می‌شود که در این حالت به نظریه لذت‌گرایی مرتبط می‌شود. در نظریه دستیابی به ارزش‌ها نیز، بهزیستی ذهنی با احساس فردی مرتبط نیست و با دستیابی به اهداف و موفقیت‌هایی حاصل می‌شود که از نظر عموم ارزشمند محسوب می‌شوند، مانند: موفقیت‌های شغلی، سلامت روحی و جسمی و... . نظریه خوشبختی واقعی ترکیبی از سه نظریه قبلی است و بر وجود سه عنصر زندگی با لذت، زندگی خوب و زندگی معنادار تأکید دارد. در زندگی با لذت، شادی حاصل می‌شود. در زندگی خوب، آرمان‌ها و آرزوهای فردی تحقق می‌یابند و در زندگی معنادار، اهداف عینی و بزرگ‌تر از سطح فردی همچون خدمت به اجتماع یا احساس مفید بودن در سطح گروه‌های اجتماعی و تحقق ارزش‌ها حاصل می‌شود. بهزیستی کامل از دیدگاه سلیگمن به منزله یکی از نظریه‌پردازان برجسته و در واقع پدر روان‌شناسی مثبت‌گرا^۳، تلفیقی از سه مورد یادشده محسوب می‌شود [۱؛ ۳۵؛ ۴۶]. براساس نظریه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد شرایطی مشابه با آن‌ها داشته باشد. اگر در نتیجه مقایسه، برای فرد چنین پنداشتی به وجود آید که براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده است در مقایسه با دیگران، عادلانه و منصفانه نیست، دچار احساس محرومیت نسبی می‌شود. این امر به بروز نارضایتی و احساس کسالت و عدم بهزیستی ذهنی در سطح فردی و اجتماعی منجر می‌شود [۸]. بهزیستی ذهنی در محیط‌های زندگی به دو عامل اصلی بستگی دارد؛ اول اینکه شرایط برای برطرف کردن نیازها مهیا باشد و دیگر اینکه فرصت‌ها و ظرفیت‌ها برای رشد و تعالی انسان‌ها کافی باشد. در واقع، بهزیستی ذهنی افراد بازتابی از شرایط کیفیت زندگی آن‌هاست [۵۲]. در عرصه‌های روستایی، کیفیت زندگی تابعی از دو مفهوم قابلیت زندگی (دسترسی به خدمات، کیفیت محیط زیست و شبکه‌های اجتماعی) و معیشت مردم (چگونگی کسب درآمد و حضور در فعالیت‌های اقتصادی) است [۲۹]. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، بُعد اقتصادی و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا بر کیفیت زندگی در

1. authentic happiness

2. relative deprivation

۳. شاخه‌ای از علم روان‌شناسی که مارتین سلیگمن بنیان‌گذاری کرد و در آن بر این مطلب تأکید می‌شود که احساسات و تجربه‌های مثبت افراد ارزش پروراندن و پرداختن را دارند و باید روی آن‌ها متمرکز شد تا درمان و تحقیق بر روی بیماری‌های روانی و تجربه‌های ناخوشایند [۲۰].

نواحی روستایی، که بازتاب آن را می‌توان در بهزیستی ذهنی روستاییان دید، تأثیر انکارناپذیری دارد. در این زمینه، کار مفید یکی از عوامل مهمی است که بهزیستی ذهنی افراد را بالا می‌برد و در ارتباطی متقابل، بهزیستی ذهنی نیز کارایی و بهره‌وری افراد را افزایش می‌دهد [۱۲؛ ۴۹]. از دیدگاه اقتصادی و به‌ویژه لیبرال‌ها، کشورها و افرادی که درآمد بالاتری دارند و بیکاری در آن‌ها کمتر است، بهزیستی ذهنی بیشتری دارند [۳۱؛ ۳۲]. در واقع، کیفیت ذهنی زندگی افراد، وابستگی بسیاری به موقعیت اقتصادی و اجتماعی آن‌ها دارد [۲]. بنابراین، باید در نواحی و در میان اقشاری که به دلیل ضعف ساختارهای اقتصادی، بیکاری و سطح درآمد اندکی دارند، تحول اقتصادی ایجاد کرد. نمود واضح این مطلب، نواحی روستایی و زنان ساکن در آن‌هاست که به دلیل باورهای اجتماعی در انزوا قرار داده شده و با تسلط دیدگاه سرباری و مصرف‌کننده بودن و انزوای ناشی از این امر، با سطح نازل شاخص‌های بهزیستی ذهنی روبه‌رو هستند. در راستای حل این معضل، با توجه به ارتباط بین تحول اقتصادی با بهزیستی ذهنی، به‌ویژه در نواحی روستایی که فقر در آن‌ها نمود واضحی دارد، ورود زنان به فعالیت‌های رسمی اقتصاد روستا می‌تواند راهکاری مؤثر به منظور ارتقای پایگاه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها و در نتیجه خروج از انزوای اجتماعی و تبدیل به عاملیت تولید، افزایش احساس مؤثر بودن، مستقل بودن و... باشد که در مجموع موجب بهزیستی زنان روستایی می‌شود. تغییرات ایجاد شده در بستر زمان باعث شده زنان از محدوده خانه خارج شوند و در تغییر الگوی کار سنتی حاکم بر جامعه نیز تغییراتی ایجاد کنند. بدین ترتیب این الگو که براساس جنسیت بود و کارها را بر مبنای طبیعت زنانه و مردانه بودن تقسیم می‌کرد تغییر کرد و از قالب سنتی بیرون آمد [۱۷]. در این میان، یکی از فعالیت‌هایی که با توجه به توانمندی‌های روستاهای کشور در چندساله اخیر، همگام با بازار جهانی، گسترش چشمگیری داشته است، گردشگری روستایی است. امروزه، گردشگری به‌منزله نیرویی تأثیرگذار در تغییر و تحولات بین‌المللی [۵۵] و راه‌حلی برای اقتصادهای در مضیقه شناخته می‌شود، زیرا بزرگ‌ترین صنعت دنیا از لحاظ میزان اشتغال و تولید داخلی و پرسرعت‌ترین صنعت از لحاظ رشد اقتصادی است [۲۴]. گردشگری روستایی شامل هر نوع فعالیت تفریحی و گذراندن اوقات فراغت است، با دریافت خدماتی از قبیل غذا و محل اقامت و محصولات محلی از ساکنان محلی در مکانی که از نظر قوانین و مقررات کشور یا از نظر ماهیت اقتصادی و فرهنگی روستا محسوب شوند [۱۰]. در چند دهه گذشته، رشد فناوری هرچند مشاغل زیادی را ایجاد کرده، در حوزه اقتصاد روستایی و حضور زنان موفق نبوده و حتی موجب حذف و فراموشی بسیاری از منابع درآمدزای سنتی شده است. از سوی دیگر، زنان روستایی بیشتر در زمینه مشاغلی می‌توانند فعالیت داشته باشند که سرمایه و تحصیلات زیادی نیاز نداشته و ریسک کمی داشته باشد [۱۵]. در این میان، سهولت اشتغال به دلیل نیاز نداشتن به سرمایه و تخصص زیاد و نیز منطبق بودن ماهیت مشاغل گردشگری با توانایی‌های زنان در انجام دادن

مشاغل سنتی (تولید محصولات کشاورزی و دامی بومی منطقه، صنایع دستی و غذاهای محلی و...) شرکت زنان روستایی در فعالیتهای گردشگری می‌تواند منافع زیادی را برای آنها در راستای بهبود سطح کیفیت زندگی‌شان ایجاد کند [۴۱]. صنعت گردشگری از طریق ترکیب و به‌کارگیری هم‌زمان منابع داخلی و خارجی، منافع اجتماعی و فرهنگی زیادی را برای جوامع روستایی، به‌ویژه زنان، به همراه دارد و با توانمندسازی آنها زمینه‌ساز تغییر در روابط اجتماعی و جایگاه آنها می‌شود [۵] و قدر مسلم تأثیرات این امر در بهبود کیفیت زندگی زنان روستایی، به‌ویژه بعد ذهنی آن، قابل توجه خواهد بود. امروزه، از زنان به‌عنوان کارآفرینان اصلی عرصه گردشگری نام برده شده و حضور آنها در این عرصه مهم‌ترین راهکار ایجاد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان در نواحی روستایی ذکر شده است [۳۶]. در رویکردهای اجتماعی جدید در حوزه برنامه‌ریزی روستایی، که پس از مطرح‌شدن پارادایم پایداری ارائه شده‌اند، برابری جنسیتی در حوزه اقتصادی روستایی یکی از اهداف اصلی بوده و از زنان کارآفرین و فعال در حوزه‌های اقتصاد روستایی، به‌ویژه گردشگری، به‌عنوان محرکان توسعه روستایی نام برده شده است [۵۴]. در این زمینه نیز، سازمان جهانی گردشگری (۲۰۰۰) رویکرد جدید گردشگری پایدار از بین برنده فقر (STEP) را مطرح کرد و به‌عنوان رویکرد جدید توسعه گردشگری پذیرفت [۴۰]. هدف از گردشگری فقرا، افزایش منافع حاصل از گردشگری برای قشر ضعیف و فقیر مقصد، به‌ویژه زنان، به منظور تأمین معیشت آنها با جذب مشارکتشان در مدیریت و تصمیم‌گیری‌های فعالیتهای گردشگری است. این رویکرد در جلسه کمیسیون توسعه سازمان ملل (۱۹۹۹) جهت دستیابی به توسعه پایدار مطرح و از دولت‌ها خواسته شد تا دسترسی به منافع حاصل از گردشگری را برای اقشار آسیب‌پذیر جامعه مهیا کنند و در این زمینه نیز بر حضور و کارآفرینی زنان روستایی در حوزه گردشگری، به‌عنوان راهکاری مؤثر، تأکید شده است [۴۳]. حضور زنان در فعالیتهای گردشگری سبب می‌شود که آنها از انزوای اقتصادی درآیند و به‌عنوان عضوی فعال و دارای درآمد رسمی در خانوار و روستا شناخته‌شده شوند. در چنین زنانی، توانایی برطرف کردن نیازهای فردی و خانوادگی‌شان بیشتر است و با روابط اجتماعی که با گردشگران برقرار می‌کنند، تعاملات و ارتباطات اجتماعی و سطح فرهنگی مطلوب‌تری خواهند داشت که برآیند این‌ها نیز احساس لذت‌ها و احساسات مثبت در کوتاه‌مدت، توانایی مقابله بیشتر با وقایع ناخوشایند، کمترشدن دردها و رنج‌های ناشی از فقر اقتصادی و داشتن پایگاه اجتماعی فردی و خانوادگی مطلوب‌تر است که مجموع این تأثیرات مثبت، شادکامی، نشاط و کیفیت مطلوب بهزیستی ذهنی در کنار ارتقای بعد عینی کیفیت زندگی را برای زنان روستایی در پی خواهد داشت. این تأثیرات مثبت موجب شده تا یکی از اهداف اصلی گردشگری پایدار روستایی، رفع فقر طبقه ضعیف روستایی، که بیشتر شامل زنان بوده، و ایجاد برابری جنسیتی در حوزه بازار کار گردشگری روستایی باشد.

در بررسی پیشینه‌های پژوهش در وهله اول با ضعف کمی و کیفی مطالعات در ارتباط با بهزیستی زنان و به‌ویژه زنان روستایی روبه‌رو هستیم که با توجه به اهمیت زنان در توسعه ملی، به طور اعم، و روستایی، به طور اخص، شایسته است تعدد و کیفیت مقالات مرتبط، افزایش یابد. از میان مطالعات مشابه که بر ارتباط فعالیت‌های اقتصادی و بهزیستی ذهنی و نیز حضور زنان در اقتصاد و تأثیر عوامل اقتصادی بر بهزیستی آن‌ها تأکید داشته باشند، در ابتدا می‌توان به پژوهش ساربان و یاری حصار (۱۳۹۶) با عنوان «عوامل مؤثر بر بهبود نشاط اجتماعی از دیدگاه روستاییان شهرستان اردبیل» اشاره کرد که با استفاده از روش تحلیل عاملی، عامل مطلوبیت و مقبولیت اجتماعی و سپس عوامل نشاط اقتصادی و حاکمیت فضای امیدواری، بهداشت روانی و ارتقای میزان برخورداری و بهزیستی اجتماعی و تعلقات مذهبی، بیشترین تأثیر را بر وضعیت نشاط روستاییان مورد مطالعه داشته‌اند [۶]. همچنین، عنبری و حقی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان در شهرستان دلیجان» به این نتیجه می‌رسند که در مجموع، سطح نشاط زنان وابسته به کیفیت زندگی آن‌هاست و در میان زنان روستایی مطالعه‌شده، احساس برابری و عدالت و مقبولیت اجتماعی، مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سطح نشاط آن‌هاست [۱۲]. در پژوهش بدری و رضوانی (۱۳۹۲) با عنوان «سنجش شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی در نواحی روستایی دهستان جعفرابای جنوبی شهرستان ترکمن»، پس از انجام‌دادن عملیات پیمایشی و تجزیه و تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، بالاترین میزان رضایت از کیفیت ذهنی به کیفیت تعامل و همبستگی اجتماعی و کیفیت امنیت اختصاص دارد [۳]. غنیان و فتوتی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «گردشگری راهکاری جهت توسعه کارآفرینی روستایی» با روشی توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، گردشگری را فعالیتی می‌دانند که به دلیل تنوع مشاغل، زمینه اشتغال و کارآفرینی بسیاری برای زنان روستایی دارد و آن‌ها به‌راحتی در کنار فعالیت‌های روزمره می‌توانند به فعالیت در گردشگری بپردازند [۱۵]. در پژوهش ادریسی و حاتم‌وند (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی مکانیزم تأثیرگذاری اشتغال بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار»، یافته‌های حاصله نشان دادند که بین سطح کیفیت زندگی و بعد مهم آن، یعنی بهزیستی ذهنی، بین زنان دارای شغل با زنان فاقد آن، تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، ارتباط بین اشتغال زنان و سطح درآمد آن‌ها با وضعیت کیفیت زندگی‌شان نیز تأیید شد [۲]. یافته‌های تحقیق خراسانی و نیلی (۱۳۹۱) با عنوان «شناسایی عوامل مؤثر بر بهزیستی ذهنی در ایران با تأکید بر اقتصاد شادکامی و ارتباط وضعیت اقتصادی با بهزیستی ذهنی»، از تأثیر درآمد، وضعیت شغلی، روابط و پیوندهای خانوادگی، سن و جنسیت با بهزیستی ذهنی ایرانیان حکایت دارد [۷]. آنیسا (۲۰۱۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی ارتباط هوش هیجانی با بهزیستی ذهنی زنان کارآفرین در شهر کویمباتور» در هند به این نتیجه رسید که هوش هیجانی ارتباط

معناداری با کارآفرینی زنان و بهزیستی ذهنی آنها دارد. خودآگاهی (اعتمادبه‌نفس)، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی در میان زنان کارآفرین، که بهزیستی ذهنی بالاتری دارند، بیشتر از زنانی است که به دلیل عدم اشتغال با سطح مشارکت و احساس مؤثر بودن پایین‌تری روبه‌رو بوده و در نتیجه بهزیستی ذهنی کمتری دارند [۲۱]. مرما (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «گردشگری و توانمندسازی زنان در بخش موندولی تانزانیا» پس از گردآوری اطلاعات به روش پیمایشی، بیان می‌کند که رونق گردشگری در منطقه با افزایش اشتغال، درآمدزایی و سرمایه‌گذاری‌های زنان توانسته است موجب توانمندسازی آنها شود؛ هرچند محدودیت‌های اجتماعی، کمبود سرمایه و عدم آموزش‌دیدگی، مهم‌ترین موانع پیش روی اثرگذاری مطلوب گردشگری در توانمندسازی زنان در منطقه مورد مطالعه است [۴۱]. در پژوهش تمندانی و بستانی (۲۰۱۵) با عنوان «توانمندسازی زنان بواسطه گسترش گردشگری در شهر زاهدان»، پس از بررسی وضعیت ۳۸۰ زن شاغل در عرصه گردشگری، این نتیجه حاصل شد که شرکت زنان در فعالیتهای اقتصادی موجب افزایش سطح توانمندی اقتصادی و اجتماعی آنها شده و در نتیجه این زنان سطح رضایت بالاتری از زندگی دارند [۵۰]. هندراگما (۲۰۱۳) در پژوهش خود با عنوان «مشارکت اقتصادی زنان در توسعه روستایی در منطقه تونکاما در سریلانکا»، با تأکید بر این مطلب که مشارکت اقتصادی زنان در عرصه‌های روستایی به موضوعی در گفتمان سیاسی-اجتماعی در جهان و عامل توسعه روستایی بدل شده است، پس از بررسی وضعیت زنان شاغل در عرصه روستایی منطقه مطالعه‌شده به این نتیجه رسید که زنان نقش مهمی در اقتصاد خانوارها پیدا کرده‌اند و زنانی که در عرصه اقتصادی فعال بودند به دلیل افزایش قدرتمندی خود به سطح رضایت‌مندی بیشتری از زندگی دست یافته‌اند [۳۴]. سنگوپتا و همکاران (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان «چه مقدار از شادی را با پول می‌توان خرید؟ درآمد و بهزیستی ذهنی در نیوزلند» نشان دادند که میزان درآمد افراد ارتباط مستقیم و معناداری میان با سطح بهزیستی ذهنی و نشاط و همچنین، رابطه‌ای منفی و معناداری با میزان تنش‌ها و استرس‌های وارده بر آنها دارد [۴۷]. سیل (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان «توانمندسازی زنان روستایی به واسطه شرکت در فعالیتهای گردشگری (مطالعه موردی: روستای آنیجوندی در هند)» با ذکر این مطلب که حضور زنان در عرصه گردشگری بین‌المللی بیشتر شده است، مشارکت زنان در گردشگری روستایی منطقه مطالعه‌شده را فرصتی برای توسعه گردشگری روستایی منطقه دانست و به این نتیجه رسید که علاقه گردشگران به محصولات تولیدی زنان روستایی موجب افزایش درآمد و فرصت‌های اشتغال زنان روستایی و در نتیجه بهبود سطح معیشت و کیفیت زندگی و توانمندشدن آنها شده است [۴۵].

روش تحقیق

تحقیق حاضر به لحاظ هدف کاربردی است و از حیث روش انجام، توصیفی - تحلیلی است. برای گردآوری اطلاعات در بخش نظری از منابع اسنادی و در بخش میدانی از هر سه ابزار پیمایش میدانی، یعنی توزیع پرسش‌نامه، مشاهده وضع موجود و مصاحبه با پاسخ‌گویان، در ارتباط با تبیین یافته‌های پژوهش بهره گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش را زنان فعال حوزه گردشگری در روستاهای هدف گردشگری منطقه اورامان شهرستان سروآباد دربرمی‌گیرد که با دیدگاه کارشناسان سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان، روستاهای دزلی، درکه، اورامان و بلبر، که بیشترین جاذبه و بازدیدکننده را داشتند، به‌عنوان روستاهای هدف انتخاب و با بهره‌گیری از نمونه‌گیری هدفمند در هر روستا، زنان فعال در عرصه گردشگری شناسایی شدند و با روش تمام‌شماری در میان همه افراد شناسایی شده، که ۹۰ زن بودند (۱۷ پرسش‌نامه روستای دزلی، ۳۵ پرسش‌نامه روستای درکه، ۲۴ پرسش‌نامه روستای اورامان، ۱۴ پرسش‌نامه روستای بلبر) توزیع شد. منظور از فعالیت‌های گردشگری در این ناحیه کلیه فعالیت‌هایی است که به صورت مستقیم کالا و خدمات را برای بازدیدکنندگان فراهم می‌آورد. حال در این بین، فعالیت‌هایی که زنان این منطقه، به‌عنوان جامعه هدف تحقیق، در آن مشارکت داشته‌اند عبارت‌اند از: تولید صنایع دستی، پخت غذاهای محلی، تولید فرآورده‌های دامی، باغی و زراعی و فروش مستقیم آن‌ها به گردشگران، کار در استراحتگاه‌ها و مغازه‌داری. به لحاظ نظری، با توجه به تعاریف ارائه‌شده در بخش مبانی نظری، بهزیستی ذهنی مفهومی است که دربرگیرنده لذت آنی، لذت طولانی‌مدت و لذت از کل زندگی در ابعاد عاطفی و شناختی است و اینکه در ارتباط با محیط پیرامون و تعامل با اجتماع در محیط روستایی حاصل می‌آید. برای عملیاتی کردن و اندازه‌گیری این سازه، بهزیستی ذهنی زنان روستایی در سه شاخص عاطفی به معنای تجربه کردن لذت، هیجانات و احساسات مثبت، شاخص شناختی به معنای ارزیابی رضایت از زندگی به صورت کلی و شاخص اجتماعی به معنای گسترش روابط با افراد و افزایش حمایت‌های اجتماعی، در قالب ۲۹ متغیر، بررسی و سنجش شد (جدول ۱). روایی ابزار اندازه‌گیری با تأیید ۱۰ تن از متخصصان دانشگاهی، که تحقیقات مشابهی داشتند و به شرایط منطقه آشنا بودند، و نیز پایایی و همبستگی درونی پاسخ‌ها هم با محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۷۹ تأیید شد. تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده نیز با استفاده از آزمون‌های آمار استنباطی (خی دو، T تک‌نمونه‌ای، رتبه‌ای فریدمن، آزمون همگونی کای دو) و شاخص توصیفی میانگین انجام پذیرفت.

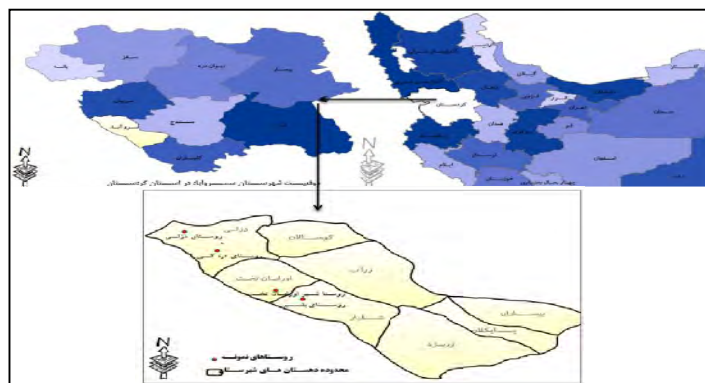
جدول ۱. شاخص‌ها و متغیرهای مورد سنجش بهزیستی زنان روستایی به واسطه شرکت در فعالیتهای گردشگری

مفهوم	شاخص	متغیر
عاطفی		کاهش احساس فقر؛ کاهش احساس‌های ناخوشایند (غم، اندوه، انزوایی)؛ احساس خوشحالی؛ احساس امید به آینده (امیدواری)؛ احساس قدرت در کنترل همه جنبه‌های زندگی (احساس قدرتمندی)؛ احساس راحتی و آرامش ذهنی؛ احساس افتخار به خود؛ لذت بردن از فعالیت و اشتغال درآمدزا؛ لذت از احساس برابری؛ احساس لذت از زن بودن؛ احساس لذت از استقلال مالی؛ داشتن انرژی و انگیزه برای کار
		رضایت از وضعیت موجود در قیاس با گذشته؛ رضایت از وضع موجود در قیاس با حالت ایده‌آل؛ رضایت از خود در قیاس با افراد هم‌ردیف (زنان بدون شغل)؛ رضایت از شغل؛ رضایت از درآمد؛ رضایت از پس‌انداز؛ رضایت از محیط روستا و وابستگی به آن؛ رضایت از رسیدن به اهداف؛ رضایت از وضعیت بهداشت و تغذیه فردی و خانوادگی؛ رضایت از زندگی؛ رضایت از توان تأمین و دسترسی به خدمات و امکانات جدید
شناختی		لذت از برخورد با انسان‌های دیگر (تعامل فرهنگی)؛ شوخ‌طبعی و شوخی با دیگران؛ کنترل خود در برخورد با افراد و وقایع ناخوشایند؛ افزایش روحیه تعاون، همبستگی و مشارکت در امور جمعی؛ استحکام خانواده؛ ارتقای نقش و پایگاه فردی و خانوادگی در روستا

منابع: [۹؛ ۱۸؛ ۱۴؛ ۶؛ ۴۴]

معرفی منطقه مطالعه شده

سروآباد یکی از شهرستان‌های استان کردستان در غرب ایران است که از سمت غرب به کشور عراق، از سمت شمال به مریوان، از شرق به سنندج و از جنوب به شهرستان کامیاران منتهی می‌شود. مرکز این شهرستان شهر سروآباد است. بیش از ۹۰ درصد جمعیت تقریباً ۵۰ هزار نفری این شهرستان در ۸ دهستان روستایی منطقه قرار گرفته‌اند. روستاهای مورد مطالعه این پژوهش در قسمت غربی این شهرستان در بخشی از منطقه اورامانات واقع شده‌اند که به دلیل سابقه تمدنی و کهن، وجود رسومات و مراسم‌های بومی، طبیعت بکر و منحصر به فرد کوهستانی، معماری ویژه روستاها و جاذبه‌های دیگر اجتماعی، طبیعی و فرهنگی پذیرای تعداد زیادی از گردشگران بوده و به‌عنوان یکی از مناطق مشهور گردشگری روستایی کشور شناخته می‌شود. به دلیل اینکه یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری منطقه اورامان، غذاهای محلی، صنایع دستی و محصولات باغی است، زنان روستایی نقش پررنگی در اقتصاد گردشگری روستاهایشان دارند. واژه اورامان یا هورامان از دو بخش «هورا» و «مان» به معنای خانه، جایگاه و سرزمین تشکیل شده است. پس اورامان یعنی سرزمین اهورایی و جایگاه اهورامزدا.



شکل ۱. نمایش موقعیت روستاهای مطالعه شده

یافته‌های پژوهش

شاخص عاطفی

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، در همه متغیرهای مورد سنجش، میانگین‌های محاسبه شده بیشتر از عدد ۳ یعنی شرایط متوسط بوده و مقدار معناداری و آماره خی دو نیز کمتر از سطح آلفای ۰/۰۱ و ۰/۰۵ بوده تا بتوان عنوان کرد که پاسخ‌گویان، بر اثرگذاری شرکت در فعالیت‌های گردشگری در بهبود متغیرهای بعد عاطفی نشاط زنان روستایی، معتقدند. در این میان، متغیری که با میانگین ۳/۹۲ بیشترین میانگین محاسبه شده را دارد و پاسخ حداکثری برابر ۷۹ درصدی به گزینه‌های ۴ و ۵ از سوی پاسخگویان، بیانگر اثرگذاری در سطح زیاد و خیلی زیاد گردشگری بر بهبود وضعیت است، کاهش احساس فقر در میان زنان روستایی است. متغیر دیگری که وضعیت آن به واسطه شرکت و اثرگذاری حضور زنان در فعالیت‌های گردشگری، در سطح رضایت‌بخشی با میانگین برابر ۳/۷۱ بهبود یافته است، متغیر داشتن انرژی و انگیزه برای کار کردن در میان زنان روستایی است که ۶۳ درصد (۵۷ نفر) از زنان روستایی این تأثیر را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. این امر را می‌توان بازتابی از احساس لذت زنان روستایی از فعالیت و اشتغال درآمدزا دانست که با میانگین مطلوب ۳/۶۷ محاسبه شده است. اما سه متغیری که نسبت به سایر متغیرها کمترین میانگین‌های محاسبه شده یا به عبارتی کمترین اثرپذیری مثبت از توسعه فعالیت‌های گردشگری را داشته‌اند، متغیرهای احساس قدرتمندی زنان (تصمیم‌گیری، مدیریت خانواده، کنترل جوانب مختلف زندگی و...)، احساس برابری و احساس لذت از استقلال مالی است که به ترتیب با میانگین‌های ۳/۰۱، ۳/۲۳ و ۳/۰۵ و با پاسخ حداکثری به گزینه ۳، یعنی سطح متوسط، ارزیابی شده‌اند. این امر نشان می‌دهد که اشتغال زنان روستایی در فعالیت‌های گردشگری در بهبود این شاخص‌ها مؤثر بوده است، اما وضعیت اثرگذاری به دلیل

وجود محدودیت‌های اجتماعی مانند سایر متغیرها، قاطع و مطلوب نبوده است و تا برابری و استقلال مالی کامل زنان با مردان روستایی فاصله وجود دارد. کاهش احساس‌های ناخوشایند با میانگین محاسبه‌شده برابر ۳/۲۵، احساس آرامش ذهنی با میانگین محاسبه‌شده ۳/۳۹ و احساس افتخار به خود با میانگین ۳/۵۵ متغیرهای دیگری هستند که وضعیت آن‌ها به واسطه اثرگذاری شرکت زنان در فعالیت‌های گردشگری بهبود یافته است و بازتاب بهبود وضعیت این متغیرها را هم می‌توان در افزایش احساس خوشحالی با میانگین رضایت‌بخش ۳/۴۳ و امید به آینده با میانگین مطلوب ۳/۶۳ دانست. یکی از متغیرهای مهم در شاخص عاطفی، که اثر مهمی هم در بهزیستی ذهنی زنان روستایی خواهد داشت، احساس لذت از زن بودن است که در محیط در انزوای روستایی و با تبعیض زیاد جنسیتی به نفع مردان، معمولاً در وضعیت رضایت‌بخشی قرار ندارد، اما در منطقه مطالعه‌شده به دنبال شرکت زنان روستایی در فعالیت‌های گردشگری، وضعیت این احساس بهبود یافته است و با میانگین مطلوب ۳/۵۷ و پاسخ حداکثری به گزینه‌های ۴ و ۵ برابر ۵۳ درصد (۴۷ نفر) از پاسخ‌گویان، اثرگذاری اشتغال در فعالیت‌های گردشگری در بهبود این احساس در سطح زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شده است و این به معنای افزایش قدرت خودباوری در میان زنان روستایی است.

جدول ۲. وضعیت اثرگذاری شرکت در فعالیت‌های گردشگری بر وضعیت بعد عاطفی بهزیستی ذهنی

زنان روستایی

معناداری	آماره‌ی دو	میانگین	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	شاخص	بعد
۰/۰۰۰	۶۷/۸۸	۳/۹۲	۵	۴	۱۰	۴۵	۲۶	کاهش احساس فقر	ش.ج. ۶
۰/۰۰۲	۱۷/۳۳	۳/۲۵	۷	۱۶	۲۷	۲۷	۱۳	کاهش احساس‌های ناخوشایند	
۰/۰۰۱	۱۸/۱۱	۳/۴۳	۶	۱۳	۲۴	۲۹	۱۸	احساس خوشحالی	
۰/۰۰۰	۲۳/۰۰	۳/۶۳	۴	۱۵	۱۸	۲۹	۲۴	احساس امید به آینده	
۰/۰۰۰	۴۵/۸۸	۳/۰۱	۸	۱۸	۴۱	۱۴	۹	احساس قدرتمندی	
۰/۰۰۲	۱۶/۵۵	۳/۳۹	۷	۱۲	۲۹	۲۲	۲۰	احساس راحتی و آرامش ذهنی	
۰/۰۰۰	۲۳/۵۵	۳/۵۵	۸	۷	۲۹	۱۹	۲۷	احساس افتخار به خود	
۰/۰۰۰	۴۹/۰۰	۳/۶۷	۲	۱۱	۱۸	۴۲	۱۷	لذت‌بردن از فعالیت و اشتغال درآمدزا	
۰/۰۰۱	۱۹/۸۸	۳/۲۳	۱۴	۶	۳۱	۲۳	۱۶	لذت از احساس برابری	
۰/۰۰۰	۴۰/۱۱	۳/۵۷	۵	۴	۳۴	۲۸	۱۹	احساس لذت از زن بودن	
۰/۰۰۰	۲۱/۴۴	۳/۰۵	۱۲	۱۳	۳۵	۱۸	۱۲	احساس لذت از استقلال مالی	
۰/۰۰۰	۳۸/۷۷	۳/۷۱	۴	۶	۲۳	۳۶	۲۱	داشتن انرژی و انگیزه برای کار	

شاخص شناختی

در ارتباط با تغییرات متغیرهای بهزیستی ذهنی در شاخص شناختی، طبق آمار ارائه شده در جدول ۳، مقدار آماره‌های χ^2 دو در سطح آلفای ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار محاسبه شده‌اند. با توجه به مقدار میانگین‌های محاسبه شده، که بیشتر از سطح متوسط بوده و در سطح رضایت‌بخشی قرار دارند، می‌توان پی برد که زنان روستایی معتقدند شرکت آن‌ها در فعالیت‌های گردشگری موجب بهبود وضعیت متغیرهای مرتبط با بهزیستی ذهنی آن‌ها در شاخص‌های شناختی شده است. در میان متغیرهای بررسی شده، متغیر رضایت و وابستگی به محیط روستا با بیشترین میانگین محاسبه شده برابر ۳/۹۶ و پاسخ‌های حداکثری به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد (۶۶ نفر، ۷۴ درصد) دارای بیشترین بهبود وضعیت و اثرپذیری از شرکت زنان در فعالیت‌های گردشگری بوده است. این امر بیانگر دلستگی و ماندگاری زنان روستایی به روستاها به دنبال توسعه گردشگری و مشاغل و منافع ایجادشده از آن است. در متغیر رضایت از وضعیت موجود در قیاس با گذشته، میانگین محاسبه شده برابر ۳/۷۳، در سطح معناداری ۰/۰۱ و با اطمینان ۹۹ درصد بهبود یافته است، اما این میزان مطلوبیت در متغیرهای وابسته دیگر، یعنی رضایت از وضع موجود در قیاس با حالت ایده‌آل، با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۳۲ و رضایت از رسیدن به اهداف با میانگین ۳/۳۳، به چشم نمی‌خورد تا بتوان گفت میزان رضایت زنان از وضعیتشان با شرکت در فعالیت‌های گردشگری نسبت به دوره قبل از آن بهبود یافته است و موجب شده زنان به آینده امیدوار باشند. اما تا رسیدن به اهداف نهایی و وضعیت ایده‌آلشان هنوز فاصله‌هایی وجود دارد. وضعیت متغیرهای اقتصادی شاخص شناختی بهزیستی زنان روستایی بدین ترتیب است که زنان روستایی شاغل در فعالیت‌های گردشگری در سطح معناداری ۰/۰۱ و با اطمینان ۹۹ درصد از مشاغل خود راضی‌اند، اما در این میان، رضایت از درآمد روستاییان با میانگین ۳/۳۲ و رضایت از میزان پس‌انداز نیز با میانگین ۳/۲۴ به صورت نسبی و در سطح متوسطی بهبود وضعیت آن‌ها ارزیابی شده است تا بتوان پی برد که هرچند زنان روستایی از مشاغل خود رضایت دارند، اما میزان درآمد و پس‌اندازهای حاصله از آن‌ها در سطح مطلوبیت مورد نظرشان نیست. بی‌شک و با توجه به گفته‌های زنان روستایی، افزایش عمومی هزینه‌های زندگی یکی از دلایل عمده شکل‌گیری این وضعیت می‌باشد. در متغیر رضایت از وضعیت بهداشت فردی و خانوادگی (تهیه امکانات بهداشتی، توان تأمین هزینه‌های بهداشت و درمان، بهبود وضعیت تغذیه) اثرگذاری گسترش گردشگری و شرکت زنان روستایی در آن‌ها با توجه به میانگین محاسبه شده برابر ۳/۶۸ در سطح مطلوبی بهبود یافته است و این افزایش رضایت زنان روستایی با پاسخ ۶۰ درصدی، در سطح زیاد و خیلی زیاد است. در دیگر شاخص خدماتی مشابه نیز، یعنی رضایت از توان تأمین و دسترسی به خدمات و امکانات جدید، میانگین

محاسبه شده برابر ۳/۲۶ نشان می‌دهد که در سطح متوسطی حضور زنان در فعالیت‌های گردشگری، موجب بهبود سطح رضایت زنان روستایی از توان تأمین و دسترسی به خدمات و امکانات جدید شده است. در مجموع نیز، برآیند بهبود متغیرهای بررسی شده به واسطه گسترش گردشگری و حضور زنان را می‌توان در افزایش رضایت از زندگی زنان روستایی با میانگین مطلوب ۳/۸۷ در سطح معناداری ۰/۰۱ و با اطمینان ۹۹ درصد مشاهده کرد.

جدول ۳. وضعیت اثرگذاری شرکت در فعالیت‌های اقتصادی بر وضعیت شاخص شناختی بهزیستی ذهنی زنان روستایی

بعد	شاخص	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	آماره خی دو	معناداری
	رضایت از وضعیت موجود در قیاس با گذشته	۲۳	۳۸	۱۶	۸	۵	۳/۷۳	۳۸/۷۷	۰/۰۰۰
	رضایت از وضع موجود در قیاس با حالت ایده‌آل	۱۷	۲۵	۲۵	۱۶	۷	۳/۳۲	۱۲/۴۴	۰/۰۱۴
	رضایت از خود در قیاس با افراد هم‌ردیف	۱۷	۳۲	۳۱	۷	۳	۳/۵۷	۳۷/۰۱	۰/۰۰۰
	رضایت از شغل	۲۳	۴۰	۱۲	۱۲	۳	۳/۷۵	۴۴/۷۷	۰/۰۰۰
	رضایت از درآمد	۱۸	۲۵	۲۲	۱۸	۷	۳/۳۲	۱۰/۳۳	۰/۰۳۵
	رضایت از پس‌انداز	۱۱	۲۹	۲۸	۱۲	۱۰	۳/۲۴	۲۰/۷۷	۰/۰۰۰
	رضایت و وابستگی به محیط روستا	۳۳	۳۳	۱۵	۶	۳	۳/۹۶	۴۶/۰۰	۰/۰۰۰
	رضایت از رسیدن به اهداف	۱۵	۲۱	۳۸	۱۰	۶	۳/۳۳	۳۴/۷۷	۰/۰۰۰
	رضایت از وضعیت بهداشت و تغذیه فردی و خانوادگی	۲۱	۳۳	۲۶	۷	۳	۳/۶۸	۳۵/۷۹	۰/۰۰۰
	رضایت از توان تأمین و دسترسی به خدمات و امکانات جدید	۱۳	۲۳	۳۳	۱۷	۴	۳/۲۶	۲۶/۲۲	۰/۰۰۰
	رضایت از زندگی	۳۱	۳۰	۱۸	۹	۲	۳/۸۷	۳۶/۱۱	۰/۰۰۰

شاخص اجتماعی

یافته‌های حاصل از تجزیه و تحلیل پاسخ‌های ارائه‌شده از سوی زنان روستایی به وضعیت تغییر متغیرهای بهزیستی ذهنی آن‌ها در شاخص اجتماعی در جدول ۴ نشان می‌دهند که در متغیرهای بررسی‌شده وضعیت بهزیستی اجتماعی آنها در سطح معناداری ۰/۰۱ و ۰/۰۵ با توجه به میانگین‌های حاصله بهبود یافته است. متغیری که دارای بیشترین اثرپذیری و بهبود وضعیت به دنبال گسترش گردشگری و شرکت زنان روستایی در فعالیت‌های وابسته به آن بوده است، متغیر لذت از برخورد با انسان‌های دیگر (تعامل فرهنگی و اجتماعی) با میانگین مطلوب ۳/۷۸ است که در میان زنان روستایی با خروج از انزوا و با حضور فعال در اجتماع و ارتباط با افرادی از دیگر نقاط و فرهنگ‌ها حاصل شده است. بهبود وضعیت متغیر کنترل خود در برخورد با افراد و وقایع ناخوشایند با میانگین محاسبه‌شده برابر ۳/۴۳ و پاسخ حداکثری به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد (۵۰ درصد، ۴۵ نفری) در ارتباط با وضعیت اثرگذاری شرکت در فعالیت‌های گردشگری بر بهبود آن، نشان می‌دهد که وضعیت تاب‌آوری و انعطاف‌پذیری روانی زنان روستایی، که عامل اصلی مبارزه و مقابله با استرس‌ها، غم و دردها و نیز نشان‌دهنده توان بازسازی روانی آن‌ها بعد از وارد آمدن بحران‌های روحی است، بهبود یافته است و این امر می‌تواند حتی زمینه‌ساز جلوگیری از ایجاد بیماری‌های جسمی نیز، که ریشه روانی دارند، شود و بدین ترتیب در کنار سلامت روانی، سلامت جسمانی زنان روستایی نیز بهبود یابد. زنان روستایی شاغل در فعالیت‌های مرتبط با گردشگری با میانگین برابر ۳/۲۲ و پاسخ حداکثری به گزینه متوسط معتقدند که در سطح متوسطی روحیه تعاون و همکاری در امور جمعی آن‌ها افزایش یافته است. در این ارتباط، شرکت در مراسم یکدیگر، قرض‌دادن پول به یکدیگر، مشورت گرفتن و در اختیار گذاشتن تجربیات کاری و... مورد تأکید بودند. میانگین‌های محاسبه‌شده برابر ۳/۳۵ و ۳/۴۵ در سطح معناداری ۰/۰۱ نشان می‌دهد که زنان روستایی معتقدند پایگاه فردی و خانوادگی آن‌ها در روستا و نیز استحکام خانوادگی‌شان به دنبال گسترش فعالیت‌های گردشگری و شرکت در آن‌ها افزایش یافته است. قدر مسلم این امر تابع بهبود وضعیت در متغیرهای دیگری همچون: بهبود وضعیت تغذیه و بهداشت، تأمین امکانات جدید، استقلال مالی، راحتی و آسودگی خیال، افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان، داشتن شغل و درآمد و... است. همچنین، باید در نظر داشت زنانی که بهزیستی بیشتری دارند، توان و قدرت مطلوب‌تری به منظور تربیت بهتر فرزندان و مدیریت خانواده خواهند داشت که بی‌شک این وضعیت زمینه‌ساز استحکام بنیاد خانواده می‌شود.

جدول ۴. وضعیت اثرگذاری شرکت در فعالیتهای اقتصادی بر وضعیت شاخص اجتماعی بهزیستی ذهنی زنان روستایی

بعد	شاخص	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	آماره خی دو	معناداری
	لذت از برخورد با انسان‌های دیگر	۲۸	۳۴	۱۳	۱۱	۴	۳,۷۸	۳۴,۷۷	۰,۰۰۰
	شوخ‌طبعی و شوخی با دیگران	۱۹	۲۴	۲۴	۱۴	۹	۳,۳۳	۹,۴۴	۰,۰۴۸
	کنترل خود در برخورد با افراد و وقایع ناخوشایند	۱۶	۲۹	۲۸	۱۲	۵	۳,۴۳	۲۳,۸۸	۰,۰۰۰
	افزایش روحیه تعاون، همبستگی و مشارکتهای در امور جمعی	۱۴	۱۶	۴۴	۸	۸	۳,۲۲	۴۹,۷۷	۰,۰۰۰
	استحکام خانواده	۱۰	۴۳	۱۹	۱۵	۳	۳,۴۵	۵۶,۱۱	۰,۰۰۰
	ارتقای پایگاه فردی و خانوادگی در روستا	۱۶	۲۸	۲۸	۸	۱۰	۳,۳۵	۲۰,۴۴	۰,۰۰۰

در مجموع نیز، همان‌طور که نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای در جدول ۵ نشان می‌دهد، در هر سه شاخص بررسی‌شده بهزیستی زنان روستایی و مجموع آن‌ها، میانگین محاسبه‌شده از مطلوبیت عددی مورد آزمون (میانگین ۳) بیشتر بوده، مقدار آماره T محاسبه‌شده در سطح آلفای ۰/۰۱ معنادار محاسبه شده و آماره‌های حدهای بالا و پایین نیز مثبت است تا با اطمینان ۹۹ درصد بتوان گفت که توسعه گردشگری و حضور زنان روستایی در فعالیتهای مرتبط با آن موجب افزایش بهزیستی ذهنی آن‌ها شده است. در این میان، شاخص عاطفی با میانگین ۳/۴۵، شاخص شناختی با میانگین ۳/۵۵، شاخص اجتماعی با میانگین ۳/۴۳ و مجموع بهزیستی زنان روستایی هم با میانگین ۳/۴۷ محاسبه شده است. بنابراین، بعد شناختی، با بیشترین میزان ارتقای وضعیت و میانگین محاسبه‌شده، شاخصی است که در میان شاخص‌های بهزیستی ذهنی زنان روستایی بیشترین بهبود وضعیت را از حضور آن‌ها در فعالیتهای گردشگری یافته است.

جدول ۵. نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای جهت سنجش بهزیستی ذهنی زنان روستایی به واسطه اثرپذیری از حضور در فعالیت‌های گردشگری

ابعاد	تفاوت از حد مطلوب	درجه آزادی	معناداری	آماره آزمون T	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		نتیجه اثرگذاری
					پایین‌تر	بالا‌تر	
عاطفی	۰/۴۵۶	۸۹	۰/۰۰۰	۷/۰۹	۳/۴۵	۰/۳۲۸	تأیید
شناختی	۰/۵۵۰	۸۹	۰/۰۰۰	۷/۰۶	۳/۵۵	۰/۳۹۴	تأیید
اجتماعی	۰/۴۳۱	۸۹	۰/۰۰۰	۵/۶۲	۳/۴۳	۰/۲۷۸	تأیید
نشاط زنان (مجموع)	۰/۴۷۸	۸۹	۰/۰۰۰	۱۰/۷۳	۳/۴۷	۰/۳۹۰	تأیید

نتایج آزمون رتبه‌ای فریدمن هم در جدول ۶ نشان می‌دهد که در میان متغیرهای بررسی شده بهزیستی ذهنی زنان روستایی به ترتیب: متغیرهای رضایت و وابستگی به محیط روستا از شاخص شناختی، کاهش احساس فقر از شاخص عاطفی و رضایت از زندگی از شناختی، متغیرهایی هستند که بیشترین اثرپذیری و بهبود وضعیت را از میان متغیرهای بهزیستی ذهنی، به واسطه حضور زنان در فعالیت‌های گردشگری یافته‌اند. همچنین، شاخص‌های لذت از احساس برابری، لذت از استقلال مالی و احساس قدرتمندی نیز هر سه از ابعاد عاطفی در آخرین رتبه‌های اثرپذیری و بهبود وضعیت قرار گرفته‌اند. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، هنوز هم تا رفع محدودیت‌های اجتماعی، جهت استقلال مالی و تحقق برابری کامل زنان با مردان در محیط روستاهای مطالعه‌شده فاصله وجود دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون رتبه‌ای فریدمن جهت رتبه‌بندی تأثیرات شرکت در فعالیت‌های گردشگری بر متغیرهای مؤثر بر نشاط زنان روستایی

رتبه‌بندی متغیر	رتبه‌بندی متغیر	رتبه‌بندی متغیر	رتبه‌بندی متغیر	رتبه‌بندی متغیر	رتبه‌بندی متغیر
۱۶	۱۴/۶۰	عاطفی	احساس خوشحالی	۱	۱۸/۵۳
۱۷	۱۴/۲۷	عاطفی	احساس راحتی و آرامش ذهنی	۲	۱۸/۴۸
۱۸	۱۴/۱۰	اجتماعی	شوخی با دیگران	۳	۱۷/۷۸
۱۹	۱۴/۰۱	اجتماعی	ارتقای نقش و پایگاه فردی و	۴	۱۷/۵۹

ادامه جدول ۶. نتایج آزمون رتبه فریدمن جهت رتبه‌بندی تأثیرات شرکت در فعالیت‌های گردشگری بر متغیرهای مؤثر بر نشاط زنان روستایی

رتبه مجموع	میانگین رتبه‌ای	بعد	متغیر	رتبه مجموع	میانگین رتبه‌ای	بعد	متغیر
			خانوادگی در روستا				دیگر (تعامل فرهنگی)
۲۰	۱۳,۸۸	شناختی	رضایت از وضع موجود در قیاس با حالت ایده‌آل	۵	۱۷,۰۸	شناختی	رضایت از شغل
۲۱	۱۳,۸۶	شناختی	رضایت از رسیدن به اهداف	۶	۱۷,۰۱	شناختی	رضایت از وضعیت موجود در قیاس با گذشته
۲۲	۱۳,۶۶	شناختی	رضایت از درآمد	۷	۱۶,۶۳	عاطفی	داشتن انرژی و انگیزه برای کار رضایت از
۲۳	۱۳,۳۸	عاطفی	کاهش احساس ناخوشایند	۸	۱۶,۳۴	شناختی	وضعیت بهداشت و تغذیه فردی و خانوادگی
۲۴	۱۳,۳۵	شناختی	رضایت از توان تأمین و دسترسی به خدمات و امکانات جدید	۹	۱۶,۰۹	عاطفی	لذت بردن از فعالیت و اشتغال درآمدزا
۲۵	۱۳,۱۷	شناختی	رضایت از پس‌انداز همبستگی و	۱۰	۱۶,۰۶	عاطفی	احساس امید به آینده
۲۶	۱۲,۹۷	اجتماعی	مشارکت در امور جمعی	۱۱	۱۵,۶۲	شناختی	رضایت از خود قیاس با افراد هم‌ردیف
۲۷	۱۲,۹۵	عاطفی	لذت از احساس برابری	۱۲	۱۵,۶۱	عاطفی	احساس لذت از زن بودن
۲۸	۱۱,۶۳	عاطفی	احساس لذت از استقلال مالی	۱۳	۱۵,۴۸	عاطفی	احساس افتخار به خود
۲۹	۱۱,۳۱	عاطفی	قدرتمندی	۱۴	۱۴,۸۰	اجتماعی	استحکام خانواده
				۱۵	۱۴,۷۴	اجتماعی	کنترل خود در برخورد با افراد و وقایع ناخوشایند

آماره‌خیز دو: ۱۴۸,۸۷ تعداد کل: ۹۰ معناداری: ۰,۰۰۰

جدول ۷. جدول توافقی تبیین ارتباط بهزیستی زنان روستایی با میزان رضایت از توسعه و وابستگی درآمدی به فعالیت‌های گردشگری

مؤلفه‌ها	میزان رضایت از توسعه گردشگری و وابستگی درآمدی به آن		
	کم	متوسط	زیاد
کم	۵	۴	۱
میزان نشاط زنان	۴	۱۴	۱۰
زیاد	۴	۱۱	۳۷
کل	۱۳	۲۹	۴۸
آماره آزمون کای دو پیرسون	ارزش ۲۳/۵۵	درجه آزادی ۴	سطح معناداری ۰/۰۰۰
ضریب همبستگی اسپیرمن	۰/۴۵۲		

همچنین در آزمون همگونی کای دو میتنی بر جدول توافقی، میان متغیرهای میزان رضایت از توسعه و وابستگی درآمدی به فعالیت‌های گردشگری و میزان بهزیستی ذهنی زنان روستایی، که به تفکیک ۴ روستای مورد مطالعه از طریق تحلیل خوشه‌ای، در سه طبقه کم، متوسط و بالا دسته‌بندی شدند، تحلیل روابط آماری نشان‌دهنده وجود ارتباط معنادار در سطح آلفای ۰/۰۱، میان متغیر وابسته، میزان نشاط زنان و متغیر مستقل، میزان رضایت آن‌ها از توسعه گردشگری و وابستگی درآمدی به آن است. جهت رابطه نیز در سطح آلفای ۰/۰۱ و در آزمون همبستگی اسپیرمن، معنادار، مستقیم و مثبت محاسبه شده (۰/۴۵۲) است. بنابراین، می‌توان گفت که هرچه میزان رضایت از توسعه گردشگری و وابستگی درآمدی زنان به فعالیت‌های گردشگری بیشتر بوده، میزان بهزیستی ذهنی آن‌ها نیز افزایش یافته و بیشتر شده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی تأثیرات شرکت زنان روستایی در فعالیت‌های وابسته به گردشگری در تغییرات وضعیت بهزیستی ذهنی آن‌ها پرداخت. نتایج پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی پژوهش، مبتنی بر این مطلب که فعالیت زنان در حوزه گردشگری منطقه چه تأثیراتی بر تغییر سطح بهزیستی آن‌ها داشته است؟ نشان داد که فعالیت زنان در حوزه گردشگری و فعال بودن آن‌ها در این زمینه (فعالیت‌هایی مانند: مغازه‌داری، تولید و فروش محصولات زراعی، باغی و دامی، فروش صنایع دستی تولیدی، فروش غذاهای محلی، کار در غذاخوری و استراحت‌گاه‌ها) در سطح معناداری ۰/۰۱ و ۰/۰۵ یعنی با ۹۹ و ۹۵ درصد اطمینان، موجب شده که در همه متغیرهای بررسی شده و در هر سه شاخص عاطفی، شناختی و اجتماعی، سطح بهزیستی آن‌ها بهبود یابد. این نتیجه بدین معناست که شرکت در فعالیت‌های اقتصادی موجب شده زنان روستایی از جنبه‌های

مختلف زندگی خود احساس لذت کنند (عاطفی)، در محیط اجتماعی پذیرفته شده، ارتقای نقش و پایگاه اقتصادی و اجتماعی داشته باشند و تعامل مناسبی با دیگران برقرار کنند (اجتماعی) تا برآیند اینها نیز، حس کلی رضایت از زندگی (شناختی) آنها باشد. در مجموع نیز، میانگین سطح بهزیستی ذهنی زنان فعال در حوزه گردشگری روستایی منطقه در سطح اطمینان ۹۹ درصد، برابر ۳/۴۷ به دست آمد که میانگین رضایت بخشی است. همچنین شاخص شناختی با میانگین محاسبه شده برابر ۳/۵۵ بیشترین بهبود وضعیت را از میان شاخصهای مورد سنجش بهزیستی ذهنی زنان روستایی داشت. در ادامه، نتایج آزمون رتبه‌ای فریدمن نشان داد که در میان متغیرهای بررسی شده، متغیر رضایت از محیط روستا و وابستگی به آن، کاهش احساس فقر، رضایت از زندگی، لذت از برخورد با انسان‌های دیگر (تعامل فرهنگی و اجتماعی) و رضایت از شغل، متغیرهایی هستند که بیشترین میانگین را در میان متغیرهای مورد سنجش از ابعاد بهزیستی ذهنی در میان زنان فعال در حوزه گردشگری دارند. قرار گرفتن این متغیرها در کنار همدیگر به عنوان متغیرهایی که بیشترین بهبود وضعیت را به دنبال اشتغال زنان در فعالیتهای گردشگری داشته‌اند، نشان می‌دهد که زمانی می‌توان به پایداری و ماندگاری جمعیت در مناطق روستایی دست یافت که در ابتدا طبق رویکردهای جدید توسعه بتوان محیطی دلپذیر و بانشاط را حاصل آورد که در آن بهزیستی ذهنی و عینی روستاییان فراهم آمده باشد. این امر نیز با توجه به ضعف عمده اقتصاد روستایی، زمانی حاصل می‌آید که فعالیتهای درآمدزا در اقتصاد روستایی همانند گردشگری رونق یابد تا بدین ترتیب دو مانع اصلی تحقق محیط بانشاط روستایی که بهزیستی ذهنی روستاییان در آن حاصل می‌آید، یعنی فقر و بیکاری، ریشه کن شوند. شرایطی که در منطقه مطالعه شده حاصل آمده و رونق فعالیتهای گردشگری به عنوان نجات‌دهنده اقتصاد متزلزل روستاهای منطقه عمل کرده است و با ایجاد اشتغال و درآمد به کاهش احساس فقر روستایی، رضایت از شغل و درنهایت ایجاد محیطی بانشاط انجامیده است که رضایت از محیط روستا و وابستگی به آن از سوی زنان روستایی را به دنبال داشته است. از سوی دیگر، در منطقه مطالعه شده علاوه بر اینکه رونق گردشگری توانسته است متغیرهای اقتصادی در شاخصهای عاطفی و شناختی بهزیستی ذهنی زنان روستایی را بهبود بخشد، در یک ارتباط متقابل، متغیر مهم اجتماعی، یعنی افزایش لذت از برخورد با انسان‌های دیگر که منظور بیشتر گردشگران ورودی به روستا از فرهنگ‌ها و مناطق متفاوت اجتماعی دیگر هستند، نیز بهبود یافته است تا بتوان گفت که رونق اقتصادی ایجاد شده موجب شده که زنان روستایی از انزوایی و گوشه‌گیری بیرون آیند و با ایجاد ارتباط با دیگرانی متفاوت به تعامل فرهنگی و اجتماعی دست یابند. قرار گرفتن شاخص شناختی در رتبه‌های اولیه و نیز بیشترین میانگین محاسبه شده برای شاخص شناختی در میان سه شاخص بررسی شده بهزیستی زنان روستایی در کنار قرار گرفتن متغیرهای عاطفی در

رتبه‌های آخر آزمون فریدمن، نشان می‌دهد که زنان روستایی از مقایسه وضعیت فعلی‌شان بعد از فعالیت در عرصه گردشگری روستا نسبت به قبل از آن و نیز در مقایسه با افراد دیگر و در مجموع، وضع موجود زندگی‌شان در قضاوت با محیط بیرونی و دیگران رضایت دارند، اما در ارتباط با تغییر و بهبود وضعیت مهم‌ترین متغیرهای عاطفی که بیش از آنکه تحمیلی و قضاوتی باشند، به احساس درونی وابسته‌اند و بیشتر جنبه فردی دارند، مانند احساس قدرتمندی، احساس برابری و احساس لذت از استقلال مالی، نتایج نشان دادند که زنان روستایی احساس لذت مطلوب و قاطعی ندارند. این امر نشان می‌دهد که هنوز هم تا تحقق بهزیستی مطلوب زنان روستایی به واسطه شرکت در فعالیت‌های اقتصادی مانند گردشگری در روستاهای مطالعه‌شده فاصله وجود دارد و هنوز هم موانع و محدودیت‌هایی که بیشتر در محیط بسته روستایی جنبه اجتماعی دارند، مانع تحقق مطلوب بهزیستی ذهنی آن‌ها می‌شوند. هرچند نباید از موانع اقتصادی که رفع آن‌ها می‌تواند اثرگذاری فعالیت‌های گردشگری را افزایش دهد و در نتیجه بهزیستی زنان روستایی نیز بهبود یابد، غافل شد. همچنین، پاسخ‌گویی به سؤال فرعی پژوهش (آیا بین میزان بهزیستی ذهنی زنان روستایی با میزان رضایت از توسعه و وابستگی درآمدی آن‌ها به فعالیت‌های گردشگری ارتباط معناداری وجود دارد؟) که در راستای شفاف‌سازی سؤال اصلی بود، بیانگر ارتباط معنادار، مثبت و مستقیم این دو متغیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد بود؛ تا بدین ترتیب بتوان عنوان کرد هرچه میزان رضایت زنان از توسعه و وابستگی آن‌ها به درآمدهای حاصل از فعالیت‌های گردشگری بیشتر بوده، میزان بهبود و ارتقای سطح بهزیستی ذهنی آن‌ها نیز بیشتر شده است. این امر، همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره شد، به ارتباط بعد عینی و ذهنی کیفیت زندگی و به‌ویژه اهمیت شاخص اقتصادی درآمد در نواحی فقیر و در انزوای مرزی، همانند منطقه مطالعه‌شده اشاره دارد. به‌واقع، هرگونه برنامه‌ای جهت زیست‌پذیر کردن محیط‌های روستایی در انزوا و محروم، به‌ویژه مناطق مرزی مطالعه‌شده، در ابتدا باید منافع اقتصادی زودبازده (درآمد و شغل) را در اختیار روستاییان قرار دهد (کیفیت عینی زندگی) و هرچه کیفیت لمس و آثار این منافع نیز بیشتر باشد، تحقق مطلوبیت شاخص‌های بهزیستی ذهنی (کیفیت ذهنی زندگی) روستاییان آسان‌تر خواهد بود. درواقع، کیفیت درآمد و مشاغل ایجادشده، نقش تسهیل‌کننده، روان‌کننده و کاتالیزوری را جهت ایجاد بهزیستی ذهنی در میان روستاییان دارد. درنهایت، با توجه به یافته‌های پژوهش و مشاهده وضع میدانی، پیشنهادهایی جهت هرچه بیشتر شدن و بهبود سطح بهزیستی ذهنی زنان روستایی به واسطه حضور در فعالیت‌های گردشگری در روستاهای منطقه پیشنهاد می‌شود. در ابتدا نیاز است که موانع و چالش‌هایی که هم‌اکنون در محیط‌های روستایی منطقه مطالعه‌شده پیش روی حضور آزادانه و مستقل زنان در فعالیت‌های اقتصادی گردشگری به دلیل محدودیت‌های اجتماعی و برخی هنجارهای نادرست وجود دارد، از میان برداشته شود. در این

ارتباط، در زمینه محلی می توان از آگاهان محلی و مسئولان دینی روستاها بهره گرفت و از سویی دیگر نیز، نهادهای مسئول همچون سازمان میراث فرهنگی و گردشگری با برگزاری جلسات و نشان دادن آثار مثبت حضور زنان در فعالیتهای اقتصادی گردشگری هم از جنبه مادی و هم از جنبه های، ذهنی، خانوادگی و اجتماعی، می توانند زمینه های کاهش و کم رنگ شدن برخی عقاید محدودکننده و متعصبانه علیه حضور و استقلال درآمدی زنان در فعالیتهای گردشگری را فراهم آورند. در زمینه های قانونی و دولتی هم باید نهادهای مسئول، نقش های چندگانه زنان را در برنامه ریزی های توسعه منطقه به رسمیت بشناسند و با تسهیل زمینه سازی های قانونی، موجب حضور بیشتر زنان در فعالیتهای گردشگری شوند. در این مورد، برگزاری کلاس های آموزشی و ترویجی در زمینه تهیه صنایع دستی و برخورد با گردشگران و ایجاد کارآفرینی، اعطای وام های کم بهره و بلندمدت جهت تأمین سرمایه و حمایت از زنان شاغل پیشنهاد می شود. همچنین، با توجه به اینکه در متغیرهای دیگری همچون احساس رضایت از درآمد و رضایت از پس انداز با وجود رضایت از شغل، میزان رضایت در میان زنان روستایی به طور نسبی محاسبه شده است، می توان با انجام دادن اقداماتی از قبیل تبلیغات مناسب و رفع محدودیت هایی که در زمینه خدمات و امکانات رفاهی و اقامتی وجود دارد، سبب جلب بیشتر گردشگران و ایجاد مشاغل متنوع تر، بیشتر و پردرآمدتری برای زنان روستایی شد. از سوی دیگر، ایجاد صندوق هایی متشکل از پس اندازهای خرد زنان مشغول به فعالیتهای گردشگری و سرمایه گذاری آنها در توسعه گردشگری و ایجاد فعالیتهای درآمدزا نیز راهکار دیگری به منظور افزایش رضایت از درآمد و پس انداز زنان روستایی در راستای افزایش بهزیستی ذهنی شان است.

منابع

- [۱] آستین افشان، پروانه؛ هزارجریبی، جعفر (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)». فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، س ۲۰، ش ۱، ص ۱۱۹-۱۴۶.
- [۲] ادیسی، افسانه؛ حاتموند، زیبا (۱۳۹۱). «بررسی مکانیزم تأثیرگذاری اشتغال بر کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار». پژوهش نامه علوم اجتماعی، س ۶، ش ۳، ص ۱۰۳-۱۱۵.
- [۳] بدری، سیدعلی؛ رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۲). «سنجش شاخص های کیفیت زندگی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان جعفریای شهرستان ترکمن)». فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی محیطی، س ۴، پیاپی ۵۰، ص ۵۳-۷۴.
- [۴] تقریبی، زهرا؛ شریفی، خدیجه (۱۳۹۱). «بهزیستی ذهنی در دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی کاشان». مجله علمی دانشکده پرستاری و مامایی همدان، دوره ۲۰، ش ۲، ص ۵۴-۶۸.

- [۵] حیدری ساربان، وکیل؛ ملکی، ابودر (۱۳۹۴). «ارزیابی نقش گردشگری روستایی در توانمندسازی اجتماعی روستایی (مطالعه موردی: ده زیارت، شهرستان بوانات استان فارس)»، فصل‌نامه توسعه روستایی، دوره ۶، ش ۲، ص ۲۷۸-۲۹۸.
- [۶] حیدری ساربان، وکیل؛ یاری حصار، ارسطو (۱۳۹۶). «عوامل مؤثر در بهبود نشاط اجتماعی از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی: شهرستان اردبیل)»، فصل‌نامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، س ۷، ش ۲۵، ص ۴۱-۵۳.
- [۷] خراسانی، بابازاده؛ نیلی، فرهاد (۱۳۹۱). «شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران، پژوهش‌های پولی و بانکی»، س ۶، ش ۱۴، ص ۲۶-۳۷.
- [۸] خورشیدی، رضا (۱۳۹۳). «نظریه نشاط اجتماعی»، فصل‌نامه رشد آموزش علوم اجتماعی، دوره ۱۶، ش ۳، ص ۱۱-۱۴.
- [۹] ربانی، رسول؛ ربانی، علی؛ گنجی، محمد؛ عابدی، محمدرضا (۱۳۸۶). «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۳، ش ۸، ص ۴۱-۷۸.
- [۱۰] رکن‌الدین افتخاری، علیرضا؛ قادری، اسماعیل (۱۳۸۱). «نقد گردشگری روستایی در توسعه روستایی»، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، دوره ۶، ش ۲، ص ۲۳-۴۱.
- [۱۱] روشن‌نیا، داوود؛ خادمی، رقیه؛ کردی، لیلی؛ صلحی، ژیللا (۱۳۹۴). «بررسی نقش زنان روستایی در توسعه و موانع و محدودیت‌های آنان»، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، ش ۱۹۰، ص ۸۱-۹۲.
- [۱۲] عنبری، موسی؛ حقی، سمیه (۱۳۹۳). «بررسی عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر نشاط اجتماعی زنان، مورد مطالعه: زنان مناطق شهری و روستایی شهرستان دلیجان»، فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی، س ۲۵، ش ۵۳، ص ۱-۲۶.
- [۱۳] عنبری، موسی (۱۳۸۹). «بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵»، توسعه روستایی (ماهنامه علوم اجتماعی)، دوره ۱، ش ۲، ص ۱۴۹-۱۸۱.
- [۱۴] غفاری، غلامرضا؛ شیرعلی، ابراهیم (۱۳۹۴). «بررسی وضعیت نشاط اجتماعی در بین شهروندان و رابطه آن با احساس امنیت اجتماعی (نمونه موردی: جوانان ۱۸-۲۹ شهر تهران)»، فصل‌نامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۴۵، ص ۳۳-۵۷.
- [۱۵] غنیان، منصور؛ فتوتی، هستی (۱۳۹۲). «گردشگری راهکاری جهت توسعه کارآفرینی زنان روستایی»، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی کار و جامعه، ش ۱۵۹، ص ۲۹-۳۹.
- [۱۶] قدیری معصوم، مجتبی؛ عینالی، جمشید؛ چراغی، مهدی؛ سوری، فرشاد (۱۳۹۳). «نقش توانمندی شغلی زنان در توسعه اقتصادی نواحی روستایی (مطالعه موردی: بخش کونانی شهرستان کوهدشت)»، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، س ۳، ش ۲، ص ۱۷-۲۵.

[۱۷] مکررحیدری، حمید؛ سارانی، افسانه (۱۳۹۴). «بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کارآفرینی زنان در مناطق روستایی»، همایش ملی عمران و معماری با رویکرد توسعه پایدار، تهران.

[۱۸] هزارجریبی، جعفر؛ مرادی، سجاد (۱۳۹۳). «نشاط اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی)»، فصل‌نامه مطالعات ملی، س ۱۵، ش ۴، ص ۲۲-۳.

- [19] Ammar, D.(2013).“The role of perceived social support in predicting subjective well-being in Lebanese college students”, *The Journal of Happiness & Well-Being*, 1(2), PP 121-134.
- [20] Amorim, S.(2017).“Predictors of happiness among retired from urban and rural areas in Brazil”, *Psicologia: Reflexão e Crítica* , No 2, PP 1-12.
- [21] Anitha, J.(2016).“Impact of emotional intelligence on the subjective well-being of women entrepreneurs in coimbatore city”, *International Conference on "Research avenues in Social Science" Organize by SNGC, Coimbatore*, PP 2395-4396.
- [22] Bonnke,p.(2007).“Does society matter life satisfaction in the Enlarged Europe”, *Social indicators research*, No 4, PP 189-210.
- [23] Brülde, B.(2004).“Happiness and the good life, Philosophical Communications”, Dept. of Philosophy, *Goteborg University, Sweden, Web Series*, No. 32, PP 1-32.
- [24] Christ, C.(2007).“tourism and biodiversity, mapping tourism’s global footprint”,
.at:http://www.elkhornsloughctp.org/uploads/files/1479937017Tourism%20and%20Biodiversity_%20Mapping%20Tourism%27s%20Global%20Footprint-2003649%20%281%29.pdf.
- [25] Diener, Ed & Suh, E.(1997).“measuring quality of life: economic, social, and subjective indicators”, *social indicators research*, vol 40, PP 189-216.
- [26] Diener, Ed& Oishi, S.(2003).“personality ,culture, and subjective, well-being: Emotional and Cognitive Evaluations of Life”, *Annu. Rev. Psychol*, vol 54, PP 403-25.
- [27] Durumlari, D.(2016).“Affective states and the notion of happiness”, *The Journal of Happiness & Well-Being*, vol 4, PP 101-114.
- [28] Eid, M & Randy, L.(2008). *The Science of Subjective Well-Being*, New York: The Guilford Press.
- [29] Filippa, F.(2010).“rdp and quality of life in rural areas: evaluation of the possible effects in piedmont” , *Rural development: governance, policy design and delivery*.
- [30] Furnham, A & Irene, C.(2007).“Personality Traits, Emotional Intelligence and Multiple Happiness”, *North American Journal of Psychology*, Vol 9, No. 3, PP 439-462.

- [31] Galinha, I., & Pais-Ribeiro, J. L.(2011).“Cognitive, affective and contextual predictors of subjective wellbeing”, *International Journal of Wellbeing*, vol 2, PP 34–53.
- [32] Hajdu, T.(2015).“Income and Subjective Well-Being: How Important is the Methodology?”, *Hungarian statistical review*, special number 18, PP 128-110.
- [33] Hall, J & Helliwell, J.(2013). *Happiness and Human Development*, UNDP Human development report office occasional paper.
- [34] Handaragama, S.(2013).“Women’s Economic Participation in Rural Development”, *International Journal of Education and Research*, Vol 1, No 8, PP 1-18.
- [35] Huang, p.(2008).“authentic happiness, self-knowledge and legal policy”, *minn. j.l. sci. & tech*, Vol.9, No 2, PP 755-784.
- [36] International Labour Organization.(2016). *Women’s Entrepreneurship Development*, Sustainable Enterprise Programme Women’s Entrepreneurship Development.
- [37] Kamp, I.(2003).“Urban environmental quality and human well-being Towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study”, *Landscape and Urban Planning*, No 65, PP 5-18.
- [38] Kaun, D.(2005).“Income and happiness: earning and spending as sources of discontent”, *Journal of Socio-Economics*, No 34 , PP 161–177.
- [39] Keshavarz, M & Karam, E.(2012).“Drought and happiness in rural Iran”, *Journal of Soil Science and Environmental Management*, Vol 3, PP 63-73.
- [40] Manwa, H.(2014). “Poverty Alleviation through Pro-Poor Tourism: The Role of Botswana Forest Reserves, *Sustainability journal*”, no 6, PP 5697-5713.
- [41] Mrema, A.(2015).“Tourism and women empowerment in Monduli District, Arusha-Tanzania”, *African Journal of Hospitality, Tourism and Leisure*, Vol4, No 2, PP 1-13.
- [42] Quezada, L.(2016).“A validity and reliability study of the Subjective Happiness Scale in Mexico”, *The Journal of Happiness & Well-Being*, Vol4, No1, PP 90-100.
- [43] Roe, D.(2002). “Pro-Poor Tourism: Harnessing the World’s Largest Industry for the World’s Poor”, International Institute for Environment and Development (IIED) in collaboration with the Regional and International Networking Group (RING).
- [44] Royo, M & Velazco, J.(2005).“Exploring the relationship between happiness, objective and subjective well-being”, *Evidence from rural Thailand, Paper presented at the capabilities and Happiness Conference 16-18 June*, University of Bath, Great Brita in.
- [45] Seal, M.(2012). “rural women empowerment through rural tourism: a

- case study on ANEGUNDI, KARNATAKA”, elk Asia pacific journals – Special Issue, No.2, PP 1-5.
- [46] Seligman, M & R, Ed.(2003).“Authentic Happiness”, at: <http://www.authentichappinesscoaching.com>.
- [47] Sengupta, N & et all.(2012).“How much happiness does money buy? Income and subjective well-being in New Zealand”, *New Zealand Journal of Psychology*, Vol. 41, No. 2, PP 21-27.
- [48] Sonja, F.(2003). *State of the art report on Life Quality assessment in the field of transport and Research Institute mobility*, Swedish National Road and Transport , Link opening – Sweden.
- [49] Štreimikienė G.(2009).“life satisfaction and happiness – the factors in work performance”, *Economics & Sociology*, Vol. 2, No 1, PP 9-26.
- [50] Tamandani, S & Bostani, M.(2015).“Women Empowerment through Tourism, Case study: Zahedan City”, *International Journal of Scientific Engineering and Applied Science (IJSEAS)*, Volume- 1, PP 255-262.
- [51] VanZerr, M.(2011).“Recommendations Memo Livability and Quality of Life Indicators”, recommendations memo livability and quality of life indicators.
- [52] Veenhoven, R.(2006). *The four qualities of life ordering concepts and measures of the good life*, Mark McGillivray & Mathew Clark (Eds.) 'Understanding Human: Well-being, United Nations University Press. Tokyo-NewYork-Paris.
- [53] Vidya, S.(2013).“The role of moral emotions in happiness”, *The Journal of Happiness & Well-Being*, vol1, No2, PP 115-120.
- [54] Vossenbergh, S.(2013). “Women Entrepreneurship Promotion in Developing Countries: What explains the gender gap in entrepreneurship and how to close it? ”, Working Paper No. 2013,08, Maastricht School of Management.
- [55] Williams, S.(2004).*Tourism Geography*, Rutledge Contemporary Human Geography: London.